

مقاله مروری

رویکردهای خوانش منظر شهری

مرور نظام‌مند بر توسعه مدل‌های مفهومی*

مهدی حسین‌زاده**

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

سید امیر منصوری

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

چکیده | منظر شهری به‌عنوان پدیده‌ای چندبُعدی (هولوگرافیک)، از ترکیب همزمان مجموعه کالبدی شهر و فهم ناظر (شهروند) از آن پدید می‌آید. خوانش منظر تخصصی وابسته به دانش منظر است که فهمی کلی از شهر را طلب می‌کند. این پژوهش با مروری نظام‌مند، به بررسی رویکردهای گوناگون خوانش منظر شهری می‌پردازد و آن‌ها را در طیفی از جزءنگر تا کل‌نگر تحلیل می‌کند. رویکردهای جزءنگر بر مطالعه دقیق اجزای تشکیل‌دهنده شهر و ویژگی‌های عینی یا ذهنی فضا تأکید دارند، در حالی که رویکردهای جامع‌نگر به تحلیل ترکیبی ابعاد عینی و ذهنی می‌پردازند و سعی در ایجاد درکی یکپارچه از محیط شهری دارند؛ رویکردهای کل‌نگر اما در فهم منظر شهر به‌مثابه حیثیتی واحد، حاصل ادراک انسان از فضا هستند. هدف این پژوهش بررسی رویکردهای مختلف در خوانش منظر شهری شامل مراحل مختلفی از جستجو، انتخاب، تحلیل و ارزشیابی منابع علمی است. این پژوهش به روش کیفی با شناسایی منابع مرتبط، از پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و بین‌المللی استفاده و در نهایت از طریق تحلیل محتوا، رویکرد آن‌ها نسبت به مفاهیم کلیدی و مدل‌های خوانش منظر شهری بررسی و طبقه‌بندی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که تکامل رویکردهای خوانش منظر شهری ارتباط مستقیمی با رشد دانش منظر داشته است و رویکردهای کل‌نگر، به‌ویژه با ترکیب روش‌های یکپارچه و سیستمی، کامل‌ترین چارچوب برای مطالعه این مفهوم ارائه می‌دهند. علاوه‌بر این، ارتباط میان رویکردها نشان‌دهنده ضرورت تحلیل چندبُعدی منظر شهری است. در نهایت، مطالعه منظر شهری به‌عنوان فرایندی چندلایه، نیازمند به‌کارگیری مدل‌ها و ابزارهای علمی دقیق است. ادغام روش‌های مختلف در چارچوبی کل‌نگر-سیستمی به شناختی معنادار، پایدار و در امتداد هویت شهر، کمک می‌کند که این امر لازمه هر نوع برنامه‌ریزی، مدیریت و مداخله مکان‌مند در فضای شهر است.

واژگان کلیدی | معماری منظر، منظر شهری، خوانش منظر شهری، رویکرد منظرین.

می‌توان گفت منظر شهری دانش شناخت مفهوم شهر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن محیط زیسته و با کالدهای طبیعی و مصنوع محیط ارتباطی معنایی تولید کرده‌اند که در تداوم حیات معقول آنها نقش اساسی دارد (منصوری، ۱۳۸۹). خوانش منظر تخصصی وابسته به دانش منظر است که فهمی کلی از شهر را طلب می‌کند. در فرایند خوانش منظر شهری، قرائت‌کننده منظر (متخصص منظر) مجموعه شهر و ادراک شهروندان از آن را مورد مطالعه و شناخت قرار می‌دهد. بررسی رویکردهای مختلف خوانش منظر شهری از جهت مقایسه پارادایم کلی دیسیپلین‌های مختلفی که به

مقدمه | منظر شهری ترکیبی وصفی در حوزه معماری منظر است و به فرایندی اطلاق می‌شود که ماحصل سطح تماس انسان و شهر است؛ از همین رو انسان‌ها نه‌تنها در ساختار چشم‌انداز بصری شهر از طریق اقدامات و فعالیت‌های خود بر منظر شهری تأثیر می‌گذارند، بلکه رفتار و درک ذهنی شهروندان نیز از طریق تماس با منظر شهری تأثیر می‌پذیرد (Lazarevic et al., 2017, 4). اگرچه در تعاریف اولیه، منظر شهری معطوف به وجه عینی شهر بود اما به‌تدریج و با پیشرفت این علم تعاریف مربوط به آن نیز کامل شد. بنابراین

** نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۵۶۰۰۶۴۳۶@ut.ac.ir mahdi.hoseinzadeh

موضوع شهر می‌پردازند، همچنین روند تکامل مفاهیم، تعاریف و مدل‌های خوانش منظر شهر، ضرورت دارد.

سوالات پژوهش

در این بخش سوالات اصلی پژوهش به‌طور دقیق و واضح تعریف شده است تا روند جستجو و انتخاب مقالات به‌طور سیستمی هدایت شود. سوالات اصلی پژوهش به شرح زیر هستند:

- رویکردهای مختلف خوانش منظر شهری کدامند و چگونه در تحلیل منظر شهری کاربرد دارند؟

- رویکردها و مدل‌های مفهومی موجود برای خوانش منظر شهری چه نقاط ضعف و قوتی دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش کیفی، به شیوه مرور نظام‌مند، با هدف تحلیل و بررسی رویکردهای مختلف در خوانش منظر شهری شامل مراحل مختلفی از جستجو، انتخاب، تحلیل و ارزشیابی منابع علمی است. برای شناسایی مقالات مرتبط، از پایگاه‌های علمی معتبر مانند Google Scholar، Scopus، Web of Science، ScienceDirect و همچنین درگاه نشریات معتبر داخلی استفاده شده است. عبارت کلیدی جستجو Urban Landscape Reading (خوانش منظر شهری) بوده است. در نهایت، از میان ۳۵۶ منبع، ۵۵ منبع معتبر برای تحلیل انتخاب شده‌اند. منابع از نظر مفاهیم کلیدی و مدل‌های خوانش منظر شهری بررسی و طبقه‌بندی شده‌اند.

براین‌اساس، به منظور بررسی دقیق‌تر ابعاد حوزه مورد مطالعه در پیشینه پژوهش، ابتدا رویکردهای مختلف در شناخت و خوانش منظر شهری بررسی، سپس مدل‌ها و ابزارهای هر رویکرد شناسایی و طبقه‌بندی و در نهایت معیارها و شاخص‌های مطالعه منظر شهری بر مبنای رویکردهای مطالعه‌شده ارائه خواهند شد. همچنین، رویکردهای مختلف موجود در خوانش منظر شهری مقایسه و نقاط قوت و ضعف هر یک شناسایی و روندهای تحولی این مدل‌ها در طول زمان تحلیل خواهد شد.

انواع رویکردهای خوانش منظر شهری

پاراادایم کلی هر دیسپلین رویکرد آن در مواجهه با مسئله را مشخص می‌کند. رویکرد در واقع دیدگاه یا الگوی کلی فکری است، روش تعیین‌کننده نحوه انجام کار و فرایند توصیف‌کننده مراحل و گام‌های پاسخ به مسئله است. منظر شهری به‌عنوان یک حوزه مرتبط با محیط و مکانیت شهر، در سال‌های اخیر مورد مطالعه دیسپلین‌های مختلف مانند معماری، شهرسازی، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری، مرمت شهری، جغرافیا، طراحی محیط و فضای سبز، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار

دارد. هر یک از این تخصص‌ها به شناخت و خوانش منظر شهری از زاویه نگاه خاص خود می‌پردازند. در این میان معماری منظر آخرین دیسپلینی است که با تعریف جدیدی از «مکان» و به‌دنبال آن «شهر» به خوانش و شناختی منطبق بر واقعیت شهر و با رفع کاستی‌های دیگر گرایش‌ها پرداخته است. برداشت صحیح از پیشینه‌های معماری منظر در مقایسه با دیسپلین‌های همسایه خود - که کمتر بر نقش فاعل شناسا تأکید دارند - تفاوت‌هایی معنایی و روش‌شناختی دارد (Hashemizadegan et al., 2020).

متخصصان علوم شهری براساس سیر تکامل مفهوم منظر شهری (Kasravi & Hashemizadegan, 2023)، تاکنون با رویکردهای متعددی به موضوع شناخت و خوانش آن پرداخته‌اند که هر یک به جنبه‌ای خاص از محیط شهری توجه دارند. بنابر مطالعات انجام‌شده در این پژوهش، رویکردهای اصلی را می‌توان در نه دسته مفهومی طبقه‌بندی کرد.

• رویکرد عینی - بصری^۱

این رویکرد بر تحلیل جنبه‌های بصری و هنری منظر شهری تمرکز دارد و عناصر طراحی مانند تناسب، ریتم، بافت، رنگ، و ترکیب اجزای فضاهای شهری را به‌منظور ایجاد تأثیرات بصری مطلوب بررسی می‌کند. گوردن کالن (Cullen, 1961) در «The Concise Townscape» بر پیوند فرم‌های معماری با حس زیبایی‌شناسی و هویت مکان تأکید و مفهوم «سکانس بصری» (Serial Vision) را معرفی می‌کند که تجربه زیباشناختی ناشی از تغییرات متوالی تصاویر شهری را توضیح می‌دهد. مطالعه‌ای توسط دورن د الیوپرا و همکاران (Dorn de Oliveira et al., 2023) در شهر ایجوی، برزیل، واکنش‌های عاطفی و بصری شهروندان به فضاهای شهری را بررسی کرده و نشان داده است که طراحی متناسب فضاهای شهری می‌تواند علاوه بر جذابیت بصری، عملکرد و رفاه اجتماعی را نیز ارتقا دهد.

سایمون بل (Bell, 2012) در کتاب خود به عناصر پایه‌ای مانند نقطه، خط، سطح و حجم پرداخته و بر اهمیت الگوهای سازمان‌دهی عناصر بصری در منظر تأکید کرده است. همچنین، کامران ذکاوت (۱۳۸۵) در مقاله‌ای به مفاهیمی مانند کریدورهای دید، انسجام بصری و طراحی دروازه‌های بصری پرداخته که نقش مهمی در ادراک و مدیریت بصری شهر دارند.

• رویکرد ذهنی - شناختی^۲

این رویکرد به درک و پردازش ذهنی فضاهای شهری از سوی کاربران می‌پردازد. نحوه شکل‌گیری نقشه‌های ذهنی و رابطه آن‌ها با محیط واقعی در این رویکرد بسیار مورد توجه است. کوین لینچ (Lynch, 1960) در کتاب «The Image of the City» پنج عنصر کلیدی (راه‌ها، لبه‌ها، گره‌ها، حوزه‌ها و نشانه‌ها) را برای تحلیل ادراکی منظر شهری معرفی کرد. وی معتقد بود که

می‌کند. هنری لوفور (Lefebvre, 1991) مفهوم فضای زیسته را مطرح می‌کند که بر تجربه انسانی و نحوه معنا بخشی افراد به فضاهای شهری تأکید دارد. ناصر فکوهی (۱۳۸۳) با تأکید بر اینکه فضاهای شهری محصول تعاملات پیچیده اجتماعی و فرهنگی هستند، منظر شهری را نه تنها به عنوان یک ساختار کالبدی، بلکه به عنوان یک بستر اجتماعی و فرهنگی بررسی می‌کند.

کوروش گلکار (Golkar, 2008) نیز در مقاله «محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار»، روند تحول طراحی منظر را از دیدگاه‌های تزئینی به سوی پایداری بررسی می‌کند. گلکار، محیط بصری را فراتر از زیبایی‌شناسی صرف تعریف می‌کند و بر تعاملات انسانی، تجربه‌های حسی، و معنای عمیق‌تر فضا تأکید دارد. وی با نقد دیدگاه‌های تزئینی، اهمیت طراحی پایدار را به عنوان رویکردی جامع و مؤثر در پاسخ به چالش‌های زیست‌محیطی و انسانی برجسته می‌کند.

• رویکرد عملکردی-کارکردی^۵

این رویکرد به تحلیل کارکرد فضاهای شهری برای تأمین نیازهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی کاربران می‌پردازد. در واقع منظر شهری را به عنوان یک سیستم عملکردی بررسی می‌کند که باید نیازهای مختلف شهروندان، از جمله حمل‌ونقل، مسکن، و اوقات فراغت، را برآورده سازد. یان گل (Gehl, 2010) در کتاب «Cities for People»، بر ایجاد فضاهای عمومی با کیفیت تأکید دارد که بتوانند زندگی اجتماعی و فعالیت‌های انسانی را بهبود بخشند. وی تأکید می‌کند که طراحی فضاهای شهری باید نیازهای انسانی را در اولویت قرار دهد و برای انواع کاربران (مانند کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت) قابل دسترس باشد.

جین جیکوبز (Jacobs, 1961) در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»، نقش خیابان‌ها و فضاهای عمومی را در ایجاد تعامل اجتماعی و عملکرد صحیح شهر بررسی کرده است.

در پژوهش وانگ و فولی (Wang & Foley, 2021)، ساختار فضایی و عملکرد منظر شهری، از جمله مقیاس، تناسبات و سازمان‌دهی فضاها، نقش مهمی در خوانش آن دارند.

• رویکرد پدیدارشناسانه^۶

این رویکرد بر تجربه زیسته افراد از فضاهای شهری و نحوه درک آن‌ها تمرکز دارد، همچنین بر تجربه‌های ذهنی، احساسات و معانی نمادین که کاربران از فضا برداشت می‌کنند، تأکید دارد. هدف آن تحلیل احساسات، خاطرات، و معانی‌ای است که افراد به فضاهای شهری نسبت می‌دهند. نظریه‌های روان‌شناسی محیط از جمله رویکردهای مرتبط است.

مارتین هایدگر (Heidegger, 1971) و کریستوفر الکساندر (Alexander, 1977) به اهمیت تجربه انسانی و کیفیت‌های

کیفیت بصری و خوانایی شهر تأثیر مستقیم بر تجربه شهروندان دارد.

یوهانی پالاسما (Pallasmaa, 2005) در کتاب «The eyes of the skin: Architecture and the sense» به اهمیت تجربه چندحسی (Multi-Sensory Experience) در درک فضاهای معماری و شهری می‌پردازد. وی معتقد است که طراحی فضا باید به گونه‌ای باشد که نه تنها حس بینایی، بلکه سایر حواس انسان مانند شنوایی، بویایی و لامسه را نیز درگیر کند.

• رویکرد اکولوژیکی-محیطی^۳

این رویکرد بر تعامل میان طبیعت و شهر در عین پایداری و هم‌زیستی این دو تأکید دارد. مک‌هارگ (McHarg, 1969) در کتاب «Design with Nature»، طراحی شهر را بر پایه ویژگی‌های طبیعی و حفظ سلامت اکوسیستم توصیه می‌کند. وی از تحلیل لایه‌ای برای ادغام داده‌های اکولوژیکی در طراحی منظر بهره می‌برد.

در دهه‌های اخیر، دوگانگی میان شهر و طبیعت به چالش کشیده شده است و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این دو حوزه جدایی‌ناپذیرند (Cronon, 1992; Heise, 2016). مجموعه مقالات «Rethinking the urban landscape» از وی و همکاران (Way et al., 2022)، با تأکید بر پیچیدگی مفهوم منظر شهری، بازتعریف روابط میان شهر و طبیعت را بررسی کرده و به همکاری علوم انسانی و طبیعی برای درک بهتر این تعاملات پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها همچنین به پیوند میان مناطق شهری و روستایی اشاره دارند و نشان می‌دهند که مناطق دور از شهر نیز بخشی از منظر شهری محسوب می‌شوند.

تغییر پارادایم‌های مطالعات منظر شهری، پژوهشگران را به بازاندیشی مفاهیم کلیدی مانند شهر، طبیعت، فرهنگ و محیط سوق داده است (Brenner, 2009). تأکید این رویکرد بر تحلیل همزمان فرایندهای شهری و طبیعی، افق‌های جدیدی برای تاریخ معماری، مطالعات شهری و محیط زیست فراهم کرده است.

• رویکرد معنایی-فرهنگی^۴

این رویکرد بر تحلیل معنا و هویت فرهنگی فضاهای شهری تأکید دارد. در این دیدگاه، تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی در شکل‌دهی به منظر شهری اهمیت دارند.

کریستین نوربرگ-شولتز (Norberg-Schulz, 1980) در کتاب «Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture» بر اهمیت روح مکان (Genius Loci) تأکید می‌کند. وی معتقد است که فضاهای شهری باید به گونه‌ای طراحی شوند که بازتاب‌دهنده هویت تاریخی و فرهنگی جامعه باشند. منظر شهری از این دیدگاه به عنوان یک ساختار معنایی شناخته می‌شود که ارزش‌های فرهنگی و هویتی را به کاربران منتقل

غیرقابل اندازه‌گیری فضا تأکید کرده‌اند. الکساندر (ibid.) در کتاب «الگوهای زنده»، نقش کیفیت‌های فضایی در ایجاد حس مکان و تعاملات انسانی را بررسی می‌کند. در رویکرد رلف و کانتر (Canter, 1977; Relph, 1976)، جمع میان عینیت و ذهنیت در تحلیل منظر شهری مورد توجه قرار می‌گیرد. مفهوم «حس مکان» از نظریه‌های کلیدی رویکرد آن‌هاست. رلف (Relph, 1976) در کتاب «مکان و بی‌مکانی»، با نگاهی پدیدارشناسانه در پی چگونگی و چرایی معنی‌دار شدن مکان‌ها برای مردم است. او مکان را شامل سه مؤلفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنا» می‌داند. او معتقد است که از میان این سه مؤلفه، معنا نسبت به دو مؤلفه دیگر اهمیتی بیشتر دارد و رسیدن به آن را دشوارتر می‌داند. کانتر (Canter, 1977) نیز مدلی سه بخشی از مکان را متشکل از سه بُعد درهم‌تنیده «فعالیت‌ها»، «تصورات» و «کالبد» ارائه می‌دهد و بر جنبه‌های فردی ادراک فضا تأکید می‌ورزد.

• رویکرد سیستمی - یکپارچه^۷

این رویکرد منظر شهری را به‌عنوان یک سیستم پیچیده از اجزای طبیعی، انسانی و مصنوع، تحلیل می‌کند و به‌دنبال هم‌پیوندی این عناصر برای ایجاد فضایی یکپارچه و پایدار است.

ادموند بیکن (Bacon, 1976) در کتاب معروف خود «Design of Cities» (طراحی شهرها)، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرم و تجربه فضاهای شهری پرداخته و اصولی را برای درک و خوانش منظر شهری ارائه می‌دهد. رویکرد بیکن بر تعامل میان عناصر فیزیکی، تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی شهر متمرکز است و او به‌شدت به تأثیرات روانشناختی و ادراکی فضا بر انسان اهمیت می‌دهد. اسپایرو کوستوف (Kostof, 1991) در آثار خود بر ارتباط میان تاریخ، فرهنگ و الگوهای منظر شهری تأکید کرده است.

رویکرد متیو کرمونا (Carmona, 2009, 2019) به خوانش منظر شهری بر یکپارچگی میان فرم، عملکرد و تجربه انسانی استوار است. او بر این باور است که منظر شهری باید در عین زیبایی، عملکردی باشد و به ایجاد حس تعلق و هویت کمک کند. اصول ارائه‌شده توسط او ابزارهای مفیدی برای طراحی و تحلیل منظر شهری ارائه می‌دهند که در جهت ارتقای کیفیت زندگی در شهرها کاربرد دارند.

چارچوب والتر بنیامین بر رابطه بین تاریخ، حافظه، و محیط‌های ساخته‌شده تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که منظرهای شهری تجربیاتی را روایت می‌کنند که گذشته و حال را به هم متصل می‌سازند (Valibeigi & Inanloo, 2021). این دیدگاه بر اهمیت زمینه در تفسیر فضاهای شهری تأکید می‌کند، زیرا این فضاها حافظه جمعی جوامع را تجسم می‌بخشند.

فاطمه حیدری و هما ایرانی بهبهانی

شوند تا یکپارچگی و انسجام آن‌ها حفظ شود. سجاد بهرامی همدانی و سید حسن تقوایی (Bahrami Hamedani & Taghvaei, 2021) در مقاله‌ای که چارچوب ارزیابی منظر بلوارهای تاریخی را براساس مدل FVFL و تطابق با HUL ارائه می‌کند، تلاشی برای تلفیق ارزش‌های منظر تاریخی با توصیه‌نامه وین (۲۰۱۱) است.

کاپیلا و گومز-پاردو (Collado Capilla & Gómez-Pardo Gabaldón, 2018) در پژوهش خود، منظر شهری را براساس کنوانسیون اروپایی منظر (۲۰۰۰) به‌عنوان بخشی از محیط قلمداد می‌کنند که توسط ساکنان شهر ادراک می‌شود. این پژوهش بر دو عامل کلیدی ساختار منظر شهری متمرکز است: ۱. عوامل سیستمی (Systemic): مانند فرم شهری و فیزیولوژی محیط که اسکلت‌بندی و هویت کلی منظر را شکل می‌دهند. ۲. عوامل ادراکی (Perceptive): شامل جنبه‌های متغیر مانند مبلمان شهری، فعالیت‌های انسانی و عناصر متحرک مانند افراد و خودروها.

این مطالعه رویکردی سیستمی و ادراکی را برای ارزیابی منظر شهری ارائه می‌دهد و آن را به‌عنوان یک سیستم باز در نظر می‌گیرد که عوامل طبیعی و انسانی به‌طور مداوم بر یکدیگر اثر می‌گذارند. روش‌شناسی ارائه‌شده، ترکیبی از ارزیابی‌های کیفی-تحلیلی است که در آن نظرات متخصصان و شهروندان در کنار یکدیگر برای ارزیابی کیفیت منظر شهری در منطقه کمپانار والنسیا استفاده شده است.

محسن فیضی و علی اسدپور (Faizi & Asadpour, 2013)، در مقاله خود، منظر شهری را به‌عنوان مفهومی چندلایه شامل ابعاد کالبدی، شناختی، احساسی، تفسیری و ارزش‌گذاری تعریف کرده‌اند. نویسندگان به‌طور خاص بر ابعاد معنایی و بصری ساختمان‌های بلند به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر ادراک شهروندان تأکید کرده‌اند.

کتاب «چشم‌اندازهای منظر؛ ماهیت کل‌نگر منظر» (Antrop & Van Eetvelde, 2017) به بررسی ماهیت چندوجهی و کل‌نگر منظر می‌پردازد. نویسندگان بر این باورند که منظر به‌عنوان یک پدیده پیچیده و پویا، ترکیبی از واقعیت‌های عینی و ذهنی است و تجربه آن به درک چندبُعدی و چندحسی نیاز دارد. آن‌ها مطرح می‌کنند که بازگشت به دیدگاه کل‌نگر و توجه به تجربه چندحسی انسان در تعامل با منظر، رویکردی اساسی برای مطالعه و خوانش

منظر به‌عنوان مفهومی یکپارچه و هماهنگ در علوم مختلف است.

• رویکرد نشانه‌شناختی^۸

این رویکرد منظر شهری را به‌عنوان یک متن اجتماعی تحلیل می‌کند که از طریق نشانه‌ها و نمادها، معانی خاصی را منتقل می‌کند. نشانه‌شناسی به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای درک و تفسیر منظر شهری، از مفاهیم و نظریه‌های زبان‌شناسی و معناشناسی بهره می‌گیرد. این رویکرد بر تحلیل سه بُعد اصلی کالبد (صورت)، معنا (محتوا) و مخاطب (ادراک و تفسیر) تأکید دارد که در تعامل با یکدیگر ساختار معنایی و فیزیکی منظر را تشکیل می‌دهند. چارچوب پیشنهادی پیرس و یلمزلف، که توسط نظریه‌پردازانی مانند وانگ گسترش یافته است، منظر را به‌عنوان متنی چندلایه و معناگرا در نظر می‌گیرد که هر لایه از آن شامل ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اکولوژیکی و ایدئولوژیکی است (Sad Berenji et al., 2021; Wang, 2020).

این مدل‌ها نه تنها معنای مستقیم عناصر کالبدی را بررسی می‌کنند، بلکه معنای ضمنی حاصل از ارتباط این عناصر با لایه‌های معنایی و ایدئولوژیکی را نیز تجزیه و تحلیل می‌کند. این رویکرد کمک می‌کند تا پیوند بین فضاهای کالبدی و فرهنگی، اجتماعی و طبیعی در خوانش منظر آشکار شود (سجودی، ۱۳۹۰؛ Raaphorst et al., 2016). این رویکرد به کمک مدل‌های نظری مانند نظریه سه‌گانه پیرس (شیء، نمایه و تفسیر)، تحلیل مفهومی چون شبیه‌سازی و ابرواقعیت (Simulacrum) و مفهوم قدرت/دانش فوکو، به تحلیل پیچیدگی‌های معنایی منظر شهری و تأثیرات اجتماعی آن می‌پردازد (Raaphorst et al., 2018; Rose, 2012).

مفهوم منظر به‌عنوان «متن شهری» در نظریات رولان بارت (Barthes, 1972) و مایکل د سرتو (de Certeau, 1984) با تأکید بر نشانه‌شناسی و نحوه مصرف فضا مطرح شده است. بارت منظر شهری را به‌عنوان متنی زنده بررسی می‌کند که از طریق نشانه‌ها و معانی قابل تفسیر است. این نظریه بر تعامل میان کالبد فضا و ذهنیت کاربران تأکید دارد. ژاک دریدا (Derrida, 1993) در کتاب «Memoirs of the Blind»، به فضاهای هنری، نشانه‌ها و ارتباط میان دیده‌شدن و ندیده‌شدن می‌پردازد که می‌توان آن را به معماری شهری و نقش نشانه‌های بصری مرتبط دانست.

کامران ذکاوت (۱۳۹۰) نیز در مطالعات خود شهر را به‌عنوان متنی از نشانه‌ها می‌بیند که مخاطب باید آن را رمزگشایی کند. این دیدگاه از رویکرد هرمنوتیک و تحلیل نشانه‌شناختی برای درک شهر استفاده می‌کند. کریمی مشاور (Karimi Moshaver et al., 2016) در مطالعه‌ای با تمرکز بر خیابان‌های شهری، به بررسی ابعاد کالبدی، عملکردی و ادراکی پرداخته‌اند. این پژوهش نشان داده است که منظر خیابان می‌تواند با بهبود این عوامل و توجه به مؤلفه‌های

ادراکی و زیباشناختی، کیفیت منظر شهری را ارتقا بخشد. مقاله به ارتباط دوسویه مخاطب و کالبد شهر از طریق نشانه‌ها و نمادها می‌پردازد.

مطالعه پوپا و انکه (Popa & Enache, 2019) با عنوان رمزگشایی منظر شهری به بررسی خوانش منظر شهری و تحولات آن در شهرهای گردشگری رومانی می‌پردازد. این مطالعه تأکید دارد که منظر شهری به‌عنوان منبعی مهم و پیچیده، تحت فشارهای توسعه شهری دچار تغییرات عمده‌ای می‌شود. رمزگشایی عناصر منظر، شناسایی ویژگی‌های ساختاری و هویتی آن و در نظر گرفتن تحولات جهانی، اهمیت ویژه‌ای برای تدوین سیاست‌های توسعه شهری پایدار دارد. فضاهای شهری را می‌توان مانند متن‌هایی در نظر گرفت که از طریق ساختارها و طراحی‌های خود معانی متعددی منتقل می‌کنند. این معانی منعکس‌کننده رویدادهای تاریخی، سبک‌های هنری و سنت‌های فرهنگی هستند (Lavrenova, 2024). استعاره نشان می‌دهد که معنای منظر شهری به‌صورت مداوم تحت تأثیر فرهنگ جهانی و روایت‌های محلی شکل می‌گیرند و تحول می‌یابند. این استعاره امکان خوانش غیرخطی از محیط شهری را فراهم می‌کند و به کاربران اجازه می‌دهد با استفاده از دیدگاه‌های گوناگون آن را تفسیر کنند.

• رویکرد منظرین (کل نگر - سیستمی)^۹

رویکرد منظرین به شهر، رویکردی کل‌نگر است که میان عینیت و ذهنیت پیوند برقرار می‌کند. در این رویکرد، منظر شهری به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شود. ادراکات شهروندان و کالبد شهر هر یک به‌تنهایی معنایی ندارند و تنها در تعامل با یکدیگر کامل می‌شوند (Zandieh & Goodarziyan, 2014). یکی از برتری‌های این رویکرد، در نظر گرفتن ابعاد زمانی، مکانی و طبیعی در فهم شهر است. منظر شهری، نتیجه تعامل انسان با محیط طبیعی و تاریخی است که در طول زمان شکل گرفته است. این ارتباط میان طبیعت و تاریخ در منظر شهری قابل مشاهده است و آن را به پدیده‌ای پویا و متصل به گذشته و حال تبدیل می‌کند (Mansouri, 2005). در واقع شهر تنها مجموعه‌ای از عناصر پراکنده نیست، بلکه کل منسجمی است که ارتباط معنادار میان اجزای آن باعث افزایش درک و تعلق شهروندان به محیط می‌شود. هرچه این ارتباطات گسترده‌تر باشد، درک شهروندان از شهر و هویت آن تقویت می‌شود (Adelvand et al., 2016). در مقاله کاربردی «نظم، عنصر اصلی در تحلیل علمی منظر خیابان» (Atashinbar et al., 2013)، ایده‌ای برای کمی‌سازی مفهوم منظر در خیابان به‌مثابه مهم‌ترین مولفه ادراکی شهر جهت تحقق امکان ارزیابی علمی آن ارائه شده است. وی منظر شهر را بر مبنای سازمان فضایی به‌مثابه یک سیستم تحلیل کرده و مدعی است «پیچیدگی ابعاد شهر باعث شده است نگرش سیستمی به‌عنوان ابزاری علمی برای تحلیل و شناخت

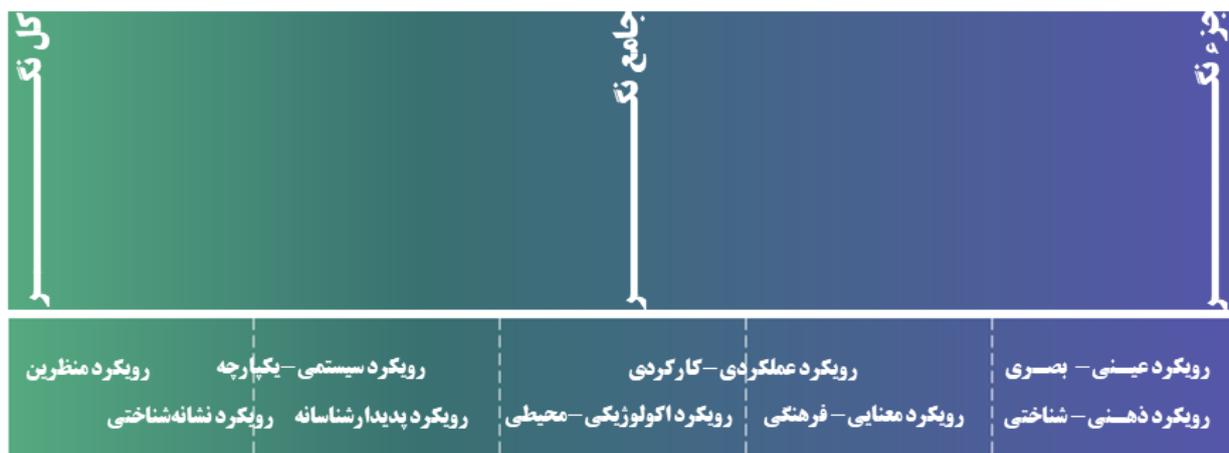
خود با عنوان «بازشناسی مؤلفه‌های نظام بصری منظر شهری عناصر و ارزش‌ها» منظر شهری را به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی معرفی می‌کند که از ادراک انسان نسبت به «کالبد» و «فعالیت» در فضای شهری شکل می‌گیرد. نظام بصری منظر شهری، مبتنی بر اطلاعات دریافت‌شده توسط حس بینایی، در ترکیب با تجربه و فهم ذهنی، معنا می‌یابد. مقاله با تمرکز بر نقش فعالیت‌های انسانی در کنار کالبد، چارچوبی ارائه می‌دهد که مؤلفه‌های بصری و ارزش‌های بصری نظیر انسجام، زیبایی، خوانایی، سرزندگی و هویت‌مندی را برای تحلیل منظر شهری تبیین می‌کند.

• جمع‌بندی رویکردهای خوانش منظر شهری

رویکردهای خوانش منظر شهری را می‌توان براساس چارچوب‌های نظری مختلف تحلیل کرد. به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را در یک طیف از رویکردهای جزءنگر تا کل‌نگر تحلیل نمود، که نه رویکرد فوق را در برمی‌گیرد. علت طبقه‌بندی به‌صورت طیفی ناشی از ماهیت تشکیکی مفاهیم کل‌نگری، جامع‌نگری و جزءنگری است، به‌گونه‌ای که این هر رویکرد می‌توانند درجات مختلفی از شدت و ضعف را در فهم کلی یا جزئی از شهر داشته باشند. به بیان دیگر رویکرد یک دیسیپلین را شاید نتوان به‌طور کامل جزءنگرانه یا به‌طور کامل کل‌نگرانه قلمداد کرد. براین‌اساس رویکردهای منظر شهری را می‌توان در یک طیف از جزءنگر، سپس جامع‌نگر و در نهایت کل‌نگر طبقه‌بندی کرد (تصویر ۱). نکته قابل توجه آن است که سیر تکامل رویکردهای خوانش منظر شهری با سیر تکامل دانش منظر ارتباط مستقیم دارد؛ در واقع به میزانی که دانش منظر رشد کرد، رویکردهای شناخت و خوانش منظر شهری نیز به سمت رویکردهای کل‌نگرانه پیش رفته است. رویکرد جزءنگر، که در برخی دیدگاه‌های شهرسازی به‌طور واضح قابل پیگیری است، بر مطالعه اجزای تشکیل‌دهنده شهر تمرکز دارد. این رویکرد در تلاش است تا با تحلیل و بررسی

عناصر شاخص شهر مورد توجه قرار گیرد. مطالعات انجام‌شده در حوزه سازمان فضایی شهر، ازجمله این تلاش‌هاست که خیابان را به‌عنوان شاخص اصلی ساخت شهر معرفی می‌کند. در همین راستا نگارنده (Hoseinzadeh et al., 2021) در مطالعه بالاحیابان و پایین‌خیابان مشهد، با بررسی تطبیقی منظر شهری این محور در سه دوره زمانی، با رویکرد منظرین به خوانش منظر شهر پرداخته است. این تحقیق نشان می‌دهد که خوانش منظر چگونه با رویکردی کل‌نگر و سیستمی به شناسایی کل‌ها و واحدهای منظر شهری منجر می‌شود. رویکرد برنارد لاسوس (Lassus, 1998) بر ایجاد تعاملی پویا بین انسان، طبیعت و محیط ساخته‌شده تأکید دارد. نتیجه این رویکرد، فضاهایی است که تنوع فرهنگی را به رسمیت می‌شناسند و امکان بازاندیشی درباره نقش قدرت در شکل‌گیری فضاهای عمومی را نیز فراهم می‌کنند. رویکرد آگوستین برک (Berque, 1995, 2013) به خوانش منظر، کل‌نگر و میان‌رشته‌ای است. او منظر را به‌عنوان مفهومی فرهنگی، تاریخی و معنایی بررسی می‌کند و معتقد است که منظر نتیجه تعاملات پیچیده بین انسان، فرهنگ و محیط است. این تعاملات در بسترهای مختلف زمانی و مکانی قابل درک هستند. برک منظر را نه صرفاً یک فضای بیرونی بلکه یک «رابطه» می‌داند که در آن انسان و محیط طبیعی از طریق فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و ادراکی به هم مرتبط می‌شوند. او اصطلاح «médiance» را معرفی می‌کند که به معنای واسطه‌گری بین انسان و محیط است؛ مفهومی که نشان می‌دهد منظر نتیجه تعاملات متقابل است و نمی‌توان آن را مستقل از تجربه انسانی و فرهنگی فهمید.

اسپیرن (Spirn, 2008) ساختار منظر را رابطه اجزاء با کل تعریف می‌کند که امکان درک کل را فراهم می‌سازد. سلسله‌مراتب با قراردادن برخی ویژگی‌ها به‌عنوان تابعی از ویژگی‌های دیگر به منظر نظم می‌بخشد. کریمی (Karimi et al., 2023) در مقاله



تصویر ۱. طیف‌بندی رویکرد دیسیپلین‌های معماری، شهرسازی، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری، مرمت شهری، جغرافیا، طراحی محیط و فضای سبز، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و منظر. مأخذ: نگارندگان.

وجه مستقل که دو تعبیر از یک حقیقت واحد معرفی می‌کند (Van den Brink et al., 2020). در جدول ۱، دسته‌بندی انواع رویکردهای شناخت و خوانش منظر شهری ارائه شده است.

تحلیل یافته‌ها

رویکردهای مختلف خوانش منظر شهری، هر یک بر جنبه خاصی از درک و تحلیل این مفهوم تأکید دارند؛ اما در عین تمایز، ارتباطات نظام‌مندی میان آن‌ها وجود دارد که امکان هم‌افزایی و تکمیل‌پذیری را فراهم می‌کند. به‌عنوان مثال، رویکرد اکولوژیکی-محیطی که بر پایداری زیست‌محیطی تمرکز دارد، می‌تواند داده‌ها و اصولی را در اختیار رویکرد معنایی-فرهنگی قرار دهد تا طراحی‌های محیطی پایدار، هویت‌های محلی و تاریخی را نیز منعکس کنند. از سوی دیگر، رویکردهای عینی-بصری و ذهنی-شناختی در تحلیل تعاملات میان فرم، ادراک و احساسات کاربران، قابلیت تکمیل یکدیگر را دارند. این پیوندها نشان می‌دهند که تحلیل منظر شهری نیازمند رویکردی چندوجهی و بین‌رشته‌ای است که از تمامی این دیدگاه‌ها بهره‌برداری کند.

در رویکردهای فعلی، شکاف‌های اساسی مانند نبود چارچوب‌های جامع و داده‌های چندرشته‌ای به چشم می‌خورد. بسیاری از پژوهش‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های ذهنی و پدیدارشناسانه، به دلیل اتکای بیش از حد بر تفاسیر فردی، در ارائه نتایج عمومی و کاربردی محدودیت دارند همچنین، پژوهش‌های مرتبط با اکولوژی و پایداری، اغلب فاقد توجه به معنای فرهنگی و هویت‌های اجتماعی هستند.

خوانش منظر شهری فرایندی است که در آن عناصر مختلف منظر یک شهر در نظامی به‌هم‌پیوسته و کلی حاصل ادراک مخاطبان‌ش تحلیل می‌شوند که مدلی سیستمی برای درک عمیق‌تر آن را طلب می‌کند. در این بخش، پیشینه پژوهش در زمینه مدل‌ها و ابزارهای خوانش منظر شهری طبقه‌بندی (جدول ۲) در قالب نقاط قوت و ضعف هر یک بررسی شده است.

نتیجه‌گیری

بررسی رویکردهای مختلف خوانش منظر شهری نشان می‌دهد که این مفهوم به دلیل ماهیت چندبعدی خود، از جنبه‌های متنوعی تحلیل شده است. رویکردهای عینی-بصری بر ابعاد کالبدی فضا تمرکز دارند، در حالی که رویکردهای ذهنی-شناختی و معنایی-فرهنگی به درک ذهنی و هویت اجتماعی فضاهای شهری می‌پردازند. علاوه بر این، رویکردهای اکولوژیکی-محیطی و عملکردی بر پایداری زیست‌محیطی و کارکردهای اجتماعی تأکید می‌کنند و رویکردهای پدیدارشناسانه و نشانه‌شناختی تجربه زیسته و

اجزای مختلف محیط، به شناختی دقیق از شهر دست یابد. در این دیدگاه، هر جزء به‌طور جداگانه مطالعه می‌شود تا درک بهتری از نحوه عملکرد شهر به دست آید. این نوع خوانش، بیشتر بر ویژگی‌های عینی و ملموس فضا تأکید دارد و کمتر به ابعاد ذهنی یا تجربه‌های فردی مرتبط با فضا پرداخته می‌شود. گروه دیگر در این دسته‌بندی گروهی است که عمدتاً بر ابعاد ذهنی تأکید دارد، بیشتر در دیسپلین‌هایی همچون روانشناسی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مشاهده می‌شود. این دیدگاه تلاش می‌کند تا براساس ادراکات ذهنی و روانشناختی افراد، به تجزیه و تحلیل منظر شهری بپردازد. متخصصان این رویکرد بر تأثیراتی که محیط بر روان انسان‌ها می‌گذارد و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر فهم و تجربه شهر تأکید دارند. در این رویکرد، به ابعاد مادی فضا کمتر توجه می‌شود و غالباً صرف تجربه‌های ذهنی و ادراکی افراد مدنظر قرار می‌گیرد.

رویکرد جامع‌نگر به بررسی هم‌زمان ابعاد عینی و ذهنی فضا می‌پردازد و آن‌ها را به‌صورت لایه‌های جداگانه تحلیل می‌کند. این رویکرد عمدتاً در مطالعات معماری، طراحی شهری و طراحی محیطی مشاهده می‌شود. در این دیدگاه، هر لایه به‌طور مستقل بررسی می‌شود، اما همچنان از نظر متخصصین این حوزه، این لایه‌ها به‌طور کلی به‌عنوان بخشی از یک کل در نظر گرفته می‌شوند. اما مشکلی که در این دسته از مطالعات وجود دارد این است که ممکن است جمع اجزای مختلف به‌عنوان شناخت کلی از فضای شهری تلقی شود، در حالی که شناخت اجزا به‌تنهایی نمی‌تواند به شناخت کل از فضا منجر شود.

رویکرد کل‌نگر، که در آن متخصصان بر این باورند که ادراک انسان از عینیت فضا می‌تواند به تولید معنای جدیدی از ابعاد عینی آن منجر شود، به شکلی متفاوت به منظر شهری نگاه می‌کند. در این رویکرد، ادراک انسان از فضا به‌عنوان یک تجربه ذهنی و عینی ترکیب می‌شود و این فرایند منجر به تولید شأن یا روحی جدید از فضا می‌شود که وابسته به درک و تجربه مخاطب از آن است. در واقع، ذهنیت حاصل از مواجهه انسان با عینیت فضا باعث تولید معنای جدیدی از آن می‌شود که شامل احساسات، معنای قراردادی و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی است. خصوصیت بارز منظر، تبیین علمی دیدگاه کل‌نگر است. مفاهیم فلسفی کل‌نگری مبتنی بر اصالت وجود، در نظریه‌های فیلسوفان از دوره کلاسیک تا امروز مطرح بوده است. اما ورود آن به حوزه‌های کاربردی را می‌توان بیش از همه به منظر نسبت داد. با طرح نظریه مکان به‌مثابه جغرافیایی که با تاریخ عجین شده، به نخستین تعبیر غیرفیزیکی به فضا مطرح شد. دیدگاه کل‌نگر، قائل به تفکیک دو وجه عینی و ذهنی فضا نیست، زیرا آن‌ها را نه دو

جدول ۱. انواع رویکردهای خوانش منظر شهری. مأخذ: نگارندگان.

رویکرد	توضیحات	پژوهشگران و منابع
رویکرد عینی-بصری	این رویکرد بر تحلیل جنبه‌های بصری و عینی منظر شهری متمرکز است و تأکید بر فرم‌ها، تناسب‌ها، رنگ‌ها و ترکیب فضاهای شهری برای ایجاد تأثیرات بصری مناسب دارد.	Cullen (1961), Dorn de Oliveira et al. (2023), Bell (2019), ذکاوت (۱۳۸۵)
رویکرد ذهنی-شناختی	این رویکرد به درک و پردازش ذهنی فضاهای شهری و نقشه‌های ذهنی پرداخته است و تأکید بر رابطه آن‌ها با محیط واقعی دارد.	Lynch (1960), Pallasmaa (2005)
رویکرد اکولوژیکی-محیطی	تعامل بین محیط طبیعی و شهری و پایداری محیطی را بررسی می‌کند.	Cronon (1992), Heise (2016), McHarg (1969), Brenner (2009), Way et al. (2022)
رویکرد معنایی-فرهنگی	این رویکرد بر تحلیل هویت فرهنگی و معنای فضاهای شهری و تأثیر آن بر کاربران تأکید دارد.	Norberg-Schulz (1980), Lefebvre (1991), Golkar (2008), فکوهی (۱۳۸۳)
رویکرد عملکردی-کارکردی	کارکرد فضاهای شهری در پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بررسی می‌شود.	Jacobs (1961), Gehl (2010), Wang & Foley (2021)
رویکرد پدیدارشناسانه	تجربه زیسته افراد و ادراک آن‌ها از فضا از طریق احساسات، خاطرات و معانی نمادین مورد توجه است.	Heidegger (1971), Alexander (1977), Relph (1976), Canter (1977)
رویکرد سیستمی-یکپارچه	منظر شهری به‌عنوان یک سیستم پیچیده از اجزای مختلف و روابط میان آن‌ها تحلیل می‌شود که هدف آن درک تعاملات و هم‌افزایی این اجزا است.	Bacon (1976), Kostof (1991), Corner (1999), Carmona (2009, 2019), Valibeigi & Inanloo (2021), Heidari & Behbahani (2019), Collado Capilla & Gómez-Pardo Gabaldón (2018), Antrop & Van Eetvelde (2017), Faizi & Asadpour (2013), Bahrami Hamedani & Taghvaei (2021)
رویکرد نشانه‌شناختی	منظر شهری به‌عنوان متن اجتماعی تحلیل می‌شود که از طریق نشانه‌ها و نمادها معانی خاصی منتقل می‌کند.	Barthes (1972), de Certeau (1984), Derrida (1993), Wang (2020), Raaphorst et al. (2016), Raaphorst et al. (2018), Rose (2012), Lavrenova (2024), Popa & Enache (2019), Karimi Moshaver et al. (2016), Sad Berenji et al. (2021), ذکاوت (۱۳۹۰)، سجودی (۱۳۹۰)
رویکرد منظرین (کل‌نگر-سیستمی)	تحلیل و خوانش منظر شهری به‌صورت مدل تکامل یافته و رفع عیب‌شده از همه رویکردهای قبلی است که به‌دلیل پیشرفت منطقی دانش منظر حاصل شده است. در این رویکرد کل حیثیت و اعتباری جدید حاصل ادراک انسان از عینیت فضا است.	Lassus (1998), Berque (1995, 2013), Mansouri (2005), Zandieh & Goodarzian (2014), Adelvand et al. (2016), Atashinbar et al. (2013), Hoseinzadeh et al. (2021), Spirn (2008), Karimi et al. (2023)

رویکردهای خوانش منظر شهری نشان می‌دهد که این رویکردها در طیفی از جزءنگر تا کل‌نگر قابل طبقه‌بندی هستند. رویکردهای جزءنگر، بیشتر بر تحلیل دقیق اجزای تشکیل‌دهنده شهر متمرکزند و بر ویژگی‌های عینی و ملموس فضا تأکید دارند. این در حالی است که رویکردهای کل‌نگر با سنتز ابعاد عینی و ذهنی فضا، تلاش می‌کنند فهم کلی (عینی-ذهنی) از منظر شهری ارائه دهند. ارتباط این رویکردها با تکامل دانش منظر نشان می‌دهد که با رشد این دانش،

معانی نمادین فضا را بررسی می‌کنند. رویکردهای کل‌نگر و ترکیبی، با ادغام این ابعاد، توانسته‌اند شناخت کامل‌تری از منظر شهری ارائه دهند. این رویکردها نشان می‌دهند که وحدت‌بخشی میان عناصر کالبدی، فرهنگی و زیست‌محیطی برای دستیابی به فهم واقعی‌تر از منظر شهری ضروری است. علاوه‌بر این، تعامل میان انسان و محیط در این رویکردها به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است که تأثیرات متقابل میان تجربه انسانی و ساختار فضا را برجسته می‌کند. تحلیل

رویکردهای خوانش منظر شهری؛ مرور نظام‌مند بر توسعه مدل‌های مفهومی

جدول ۲. نتیجه آزمون‌های دو با استفاده از نرم‌افزار SPSS. مأخذ: نگارندگان.

رویکردهای خوانش منظر شهری	مدل‌های خوانش منظر شهری	ابزارهای خوانش منظر شهری	نقاط قوت	نقاط ضعف
۱ رویکرد عینی-بصری	تحلیل‌های بصری، سکانس‌های تصویری	نقشه‌ها و تصاویر شهری، برداشت و تحلیل نما و سیلوئت شهریف، پرسشنامه‌های ارزیابی بصری	تحلیل دقیق جنبه‌های کالبدی و بصری؛ ایجاد چارچوبی برای طراحی بصری فضاها.	تمرکز بر ابعاد عینی، نادیده گرفتن ابعاد فرهنگی و اجتماعی، محدودیت در تحلیل تجربه زیسته
۲ رویکرد ذهنی-شناختی	نقشه‌های ذهنی، تجربه چندحسی	ترسیم نقشه‌های ذهنی: از کاربران خواسته می‌شود تصویری ذهنی از شهر یا منطقه‌ای خاص را روی کاغذ بیاورند، مصاحبه‌های ساختاریافته: برای جمع‌آوری داده‌های کیفی درباره درک افراد از فضا	درک عمیق از تجربه کاربر و فرایندهای ذهنی مرتبط با فضای شهری	نادیده گرفتن سایر حواس و تمرکز بیشتر بر ادراک از طریق حس بینایی، بی‌توجهی به پویایی اجتماعی و فرهنگی، بی‌توجهی به پویایی و تغییرپذیری شهرها
۳ رویکرد اکولوژیکی-محیطی	تحلیل لایه‌ای، مدیریت اکوسیستمی	استفاده از فناوری GIS، مطالعات کمی و کیفی ارزیابی چرخه زندگی، تحلیل اثرات زیست‌محیطی	تأکید بر پایداری و هماهنگی با محیط زیست؛ طراحی فضاهای مقاوم در برابر تغییرات زیست‌محیطی	کم‌توجهی به ابعاد انسانی و فرهنگی، تأکید بیش از حد بر پایداری زیست‌محیطی
۴ رویکرد معنایی-فرهنگی	روح مکان، تحلیل تاریخی-فرهنگی	تحلیل محتوای متون تاریخی، مردم‌نگاری، تحلیل رسانه‌های اجتماعی	شناسایی هویت فرهنگی و اجتماعی فضاها؛ توجه به ارزش‌های نمادین و تاریخی	پیچیدگی تحلیل معانی، دشواری در کاربرد عملی نتایج
۵ رویکرد عملگرایی-کارکردی	ارزیابی کارکردهای فضایی، تحلیل استفاده انسانی و زیرساختی	ابزارهای تحلیل الگوهای رفتاری (مانند دوربین‌های مشاهده حرکت)، سیستم‌های پایش رفتارها و فعالیت‌ها	ارائه راهکارهای عملی برای بهبود کارکرد فضا؛ تأمین نیازهای مختلف کاربران	تمرکز بر کارکرد و نادیده گرفتن ابعاد زیباشناختی و معنایی، نگاه مکانیکی به فضا
۶ رویکرد پدیدارشناسانه	نقشه‌برداری شناختی (Cognitive Mapping): تحلیل تجربیات زیسته، حس مکان، ادراکات و تجربیات انسانی	مصاحبه‌های عمیق: برای درک تجربیات زیسته کاربران از فضا، مشاهده مشارکتی: محققان در محیط شهری حاضر می‌شوند و تعاملات انسانی را ثبت می‌کنند، ابزارهای ثبت تجربیات زیسته مانند ویدئوها و عکس‌ها، مطالعه C-IMAGE با استفاده از عکس‌های ژئوتگ‌شده به منظور تحلیل تصویر شهری، استفاده از داده‌های شبکه‌های اجتماعی برای تحلیل ادراک جمعی از شهر	توجه به تجربه زیسته کاربران و معنای انسانی فضا؛ تحلیل جامع از حس مکان	ذهنی بودن تحلیل‌ها، دشواری در تعادل میان تجربه فردی و ادراک کلی جامعه از فضا
۷ رویکرد سیستمی-یکپارچه	تحلیل سیستم‌های پیچیده، مدل‌های چندلایه	تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP): برای وزن‌دهی و اولویت‌بندی معیارهای متنوع، GIS و سیستم‌های مکان‌محور: برای تحلیل داده‌های کمی و تطبیق آن‌ها با نقشه‌ها، پرسشنامه و نظرسنجی: برای جمع‌آوری داده‌های کیفی و کمی از کاربران، تحلیل شبکه	یکپارچه‌سازی تمام ابعاد منظر شهری (کالبدی، فرهنگی، زیست‌محیطی، و عملکردی و ...)، امکان برنامه‌ریزی جامع و کل‌نگر	پیچیدگی در تحلیل تعاملات، نیاز به داده‌ها و ابزارهای پیشرفته
۸ رویکرد نشانه‌شناختی	رمزگشایی معنایی نمادین، تحلیل ارتباط نمادها و هویت شهری خوانش شهر به‌منابۀ متن	ابزارهای تحلیل زبان شناختی و نقد هنری، ابزارهای تحلیل متن و محتوا	ارائه درک عمیق از نمادها و نشانه‌ها؛ توجه به پیام‌های ارتباطی فضا	نیاز به دانش فرهنگی و تاریخی، احتمال تفسیرهای متفاوت از نشانه‌ها
۹ رویکرد منظرین (کل‌نگر-سیستمی)	مدل سازمان فضایی به‌منابۀ سیستم کلی سازنده شهر-شناسایی عناصر، ساختارها و واحدهای منظر	مشاهده متخصص، بررسی و مطالعه اسناد تاریخی، ابزارهای تحلیل زبان شناختی و نقد هنری، ابزارهای تحلیل متن و محتوا، مصاحبه عمیق ۳۶۰درجه	تحلیل روابط و تعاملات میان عناصر مختلف؛ شناخت کل واحد	دشواری در یکپارچه‌سازی ابعاد مختلف، زمان‌بر بودن تحلیل

مدل‌ها و ابزارهای علمی دقیق است. ادغام روش‌های مختلف در چارچوبی کل‌نگر سیستمی به شناختی معنادار، پایدار و در امتداد هویت شهر کمک می‌کند که این امر لازمه هر نوع برنامه‌ریزی، مدیریت و مداخله مکان‌مند در فضای شهر است.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

گرایش به سمت رویکردهای کل‌نگرانه تقویت شده است. در این طیف، رویکرد جامع‌نگر تلاش دارد تا ابعاد مختلف فضا را به صورت لایه‌های جداگانه تحلیل کند. با این حال، این رویکرد در برخی موارد از ادغام کافی میان این لایه‌ها و ارائه یک اعتبار کلی ناکام می‌ماند. در مقابل، رویکردهای کل‌نگر با تأکید بر ادراک انسان از فضا، تجربه‌های فردی و اجتماعی را با جنبه‌های کالبدی و زیست‌محیطی ترکیب و منظر شهر را به مثابه یک کل واحد معرفی می‌کند. در نهایت، مطالعه منظر شهری به عنوان فرایندی چندلایه، نیازمند به کارگیری

پی‌نوشت‌ها

- * این مقاله برگرفته از رساله دکتری «مهدی حسین‌زاده» با عنوان «تدوین مدل مفهومی خوانش منظر شهری» است که به راهنمایی دکتر «سید امیر منصوری» و دکتر «شهاب‌الدین کرمانشاهی» در دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران در حال انجام است.
۱. Objective-Visual Approach
 ۲. Subjective-Cognitive Approach
 ۳. Ecological-Environmental Approach
 ۴. Semantic-Cultural Approach
 ۵. Functional Approach
 ۶. Phenomenological Approach
 ۷. Systemic-Integrated Approach
 ۸. Semiotic Approach
 ۹. Landscape-Based Approach (Holistic-Systemic)

فهرست منابع

- ذکات، کامران. (۱۳۸۵). چارچوب استراتژیک مدیریت بصری منظر شهری. *استراتژی‌های طراحی شهری*، ۱۰(۴)، ۷۵-۹۰. <https://sid.ir/paper/448892/fa>
- ذکات، کامران. (۱۳۹۰). جایگاه سازمان فضایی در طراحی شهری. *صفه*، ۵۴(۱۰۵-۱۱۸). <https://sid.ir/paper/501080/fa>
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی کاربردی*. نشر علم.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*. نشر نی.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). *چیستی منظر شهری*. *منظر*، ۲(۹)، ۳۰-۳۳. https://www.manzar-sj.com/article_405.html?lang=fa
- Adelvand, P., Mousavilar, A., & Mansouri, S. (2016). "Urban art" as a landscape phenomenon in today's society. *Bagh-e Nazar*, 13(39), 39-44. https://www.bagh-sj.com/article_14940.html
- Alexander, C. (1977). *A pattern language: Towns, buildings, construction*. Oxford University Press. https://books.google.com/books/about/A_Pattern_Language.html?id=hwAHmktk5IC
- Antrop, M., & Van Eetvelde, V. (2017). *Landscape perspectives: The holistic nature of landscape*. Springer. <https://doi.org/10.1007/978-94-024-1183-6>
- Atashinbar, M., Mansouri, S., & Sheibani, M. (2013). Order: The main element in the scientific analysis of avenue landscape. *Bagh-e Nazar*, 9(23), 93-102. https://www.bagh-sj.com/article_2459.html
- Bacon, E. (1976). *Design of cities* (Rev. ed.). Penguin Books.
- Bahrami Hamedani, S., & Taghvaei, S. H. (2021). Landscape assessment framework for historic boulevards based on the FVFL model in line with the HUL concept: The case study of Tagh-e Bostan (Shahid Shiroudi) Boulevard, Kermanshah. *Soffeh*, 31(2), 83-110. <https://doi.org/10.52547/sofeh.31.2.83>
- Barthes, R. (1972). *Mythologies* (A. Lavers, Trans.). Hill and Wang. (Original work published 1957)
- Bell, S. (2012). *Elements of visual design in the landscape* (2nd ed.). Routledge.
- Berque, A. (1995). *Les raisons du paysage: De la Chine antique aux environnements de synthèse* [The reasons for the landscape: From ancient China to synthetic environments]. Hazan.
- Berque, A. (2013). *Thinking through landscape*. Routledge.

- Brenner, N. (2009). What is critical urban theory? *City*, 13(2-3), 198-207. <http://dx.doi.org/10.1080/13604810902996466>
- Canter, D. (1977). *The psychology of place*. Architectural Press.
- Carmona, M. (2009). The public realm: Exploring the city's quintessential social territory. *Journal of Urban Design*, 14(2), 199-212.
- Carmona, M. (2019). Principles for public space design, planning to do better. *Urban design international*, 24(1), 47-59. <https://link.springer.com/article/10.1057/s41289-018-0070-3>
- Collado Capilla, V., & Gómez-Pardo Gabaldón, S. (2018). Urban landscape assessment. In *24th ISUF International Conference. Book of Papers* (pp. 1501-1511). Editorial Universitat Politècnica de València. <https://doi.org/10.4995/ISUF2017.2017.6020>
- Corner, J. (1999). The agency of mapping: Speculation, critique and invention. In M. Dodge, R. Kitchin, & C. Perkins (Eds.), *The map reader: Theories of mapping practice and cartographic representation* (Chapter 12). Wiley. <https://doi.org/10.1002/9780470979587.ch12>
- Cronon, W. (1992). *Nature's metropolis: Chicago and the great West*. W. Norton & Company. https://books.google.com/books/about/Nature_s_Metropolis_Chicago_and_the_Grea.html?id=7OCQAwAAQBAJ
- Cullen, G. (1961). *The concise townscape*. Architectural Press. https://books.google.de/books/about/The_Concise_Townscape.html?id=UoUJFju-10AC&redir_esc=y
- de Certeau, M. (1984). *The practice of everyday life* (S. Rendall, Trans.). University of California Press. (Original work published 1980)
- Derrida, J. (1993). *Memoirs of the blind: The self-portrait and other ruins* (P.-A. Brault & M. Naas, Trans.). University of Chicago Press. (Original work published 1993)
- Dorn de Oliveira, T., Ragasson, M. M., Franken, N. K., Johann, D. M. W., Soares das Chagas, D. H., de Andrade, B. F., Zulato, F. V. G., & da Silva, Á. R. F. (2023). Image, reading and public policies for cities: The right to the city and Gordon Cullen's concept of urban landscape in Ijuí/RS. *Concilium*, 23(11), 384-397. <https://doi.org/10.53660/CLM-1412-23H01>
- Faizi, M., & Asadpour, A. (2013). Residence perception of urban high-rise buildings' scape, case study: Shiraz Chamran Hotel. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 2(3), 107-121. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111712.html?lang=en
- Gehl, J. (2010). *Cities for people*. Island press.
- Golkar, K. (2008). Conceptual evolution of urban visual environment; From cosmetic approach through to sustainable approach. *Environmental Sciences*, 5(4), 95-114. https://envs.sbu.ac.ir/article_96898.html?lang=en
- Hashemizadegan, S. A., Mansouri, S. A., & Barati, N. (2020). Proper understanding of landscape architecture precedents for knowledge production. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 12(51), 58-67. <https://doi.org/10.22034/manzar.2020.226684.2060>
- Heidari, F., & Behbahani, H. (2019). Archaeological landscape readings: Reconstructing perceptual and natural layers. *Archaeological Research of Iran*, 9(22), 7-26. <https://doi.org/10.22084/nbsh.2019.17760.1853>
- Heidegger, M. (1971). *Poetry language thought*. Harper and Row.
- Heise, U. K. (2016). The environmental humanities and the futures of urban nature. *New German Critique*, 43(2), 21-31. <https://doi.org/10.1215/0094033X-3511847>
- Hoseinzadeh, M., Atashinbar, M., & Alaei, P. (2021). A street landscape reading: Mashhad's Bala and Paein Khiaban as entrances to Imam Reza's Holy Shrine. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 13(57), 64-77. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.286699.2130>
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Random House.
- Karimi Moshaver, M., Sajadzadeh, H., & Vahdat, S. (2016). Measurement of readings priority landscape of urban spaces from the standpoint of citizens (Case study: urban squares of the city of Hamadan). *Bagh-e Nazar*, 12(37), 3-14. https://www.bagh-sj.com/article_12918.html
- Karimi, M., Bemanian, M. R., Ansari, M., & Mansouri, S. A. (2023). Recognition of the components of the urban landscape visual system elements and values. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 15(62), 72-85. <https://doi.org/10.22034/MANZAR.2022.306979.2156>
- Kasravi, R., & Hashemizadegan, S. A. (2023). A comparative study of Sima, Manzar, and Chesm Andaz as Persian equivalents of landscape in English. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 15(64), 54-59. <https://doi.org/10.22034/manzar.2023.393131.2237>
- Kostof, S. (1991). *The city shaped: Urban patterns and meanings through history* (Reprint ed.). Bulfinch Press.
- Lassus, B. (1998). *The landscape approach*. University of Pennsylvania Press. https://books.google.de/books/about/The_Landscape_Approach.html?id=ZNJS3qr3FP0C&redir_esc=y
- Lavrenova, O. (2024). Urban landscape as a text: Methods of reading and interpreting. In F. Bellentani, M. Panico, & L. Yoka (Eds.), *Semiotic approaches to urban space* (pp. 81-96). Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781800887220.00011>
- Lazarevic, E. V., Kekovic, Z., & Antonic, B. M. (2017). In search of the principles of resilient urban design: Implementability of the principles in the case of the cities in Serbia. *Energy and Buildings*, 158, 1130-1138. <https://doi.org/10.1016/j.enbuild.2017.11.005>
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space*. Blackwell.
- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. MIT Press. https://books.google.de/books/about/The_Image_of_the_City.html?hl=de&id=phRPWsSpAgC&redir_esc=y
- Mansouri, S. (2005). An introduction to landscape architecture identification. *Bagh-e Nazar*, 1(2), 69-78. https://www.bagh-sj.com/article_1489.html?lang=en
- McHarg, I. L. (1969). *Design with nature*. Natural History Press.
- Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius loci: Towards a phenomenology of architecture*. Rizzoli.
- Pallasmaa, J. (2005). *The eyes of the skin: Architecture and the sense* (2nd ed.). John Wiley & Sons Inc.
- Popa, A., & Enache, C. (2019). Decoding the urban landscape. *Postmodern Openings*, 10(1), 272-279. <https://doi.org/10.18662/po/66>
- Raaphorst, K., Duchhart, I., Van Der Knaap, W., Roeleveld, G., & Van Den Brink, A. (2017). The semiotics of landscape design communication: towards a critical visual research approach in landscape architecture. *Landscape Research*, 42(1), 120-133. <https://doi.org/10.1080/01426397.2016.1257706>
- Raaphorst, K., Roeleveld, G., Duchhart, I., Van der Knaap, W., & Van den Brink, A. (2020). Reading landscape design representations as an interplay of validity, readability and interactivity: a framework for visual content analysis. *Visual Communication*, 19(2), 163-197. <https://doi.org/10.1177/1470357218779103>

- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. Pion.
- Rose, G. (2012). *Visual methodologies: An introduction to researching with visual materials* (3rd ed.). Sage.
- Sad Berenji, S. , Ansari, M. , Bemanian, M., & Hassani, M. (2021). Semiotics as a Framework for Reading and Writing Landscape. *Bagh-e Nazar*, 18(103), 65-74. <https://doi.org/10.22034/bagh.2021.278517.4852>
- Spirn, A. W. (2008). *The language of landscape* (S. H. Bahraini & B. Aminzadeh, Trans.). University of Tehran. (Original work published 1998)
- Valibeigi, M., & Inanloo, E. (2021). The Framework of Urban Landscape Reading from Walter Benjamin's View. *Journal of Urban Society's Arts*, 8(2), 124-130. <https://journal.isi.ac.id/index.php/JOUSA/article/view/6086>
- Van den Brink, A., Bruns, D., Tobi, H., & Bell, S. (2020). *Research in landscape architecture: Methods and methodology* (S. Hashemizadegan & R. Kasravi, Trans.). Nazar Research Center. (Original work published 2016)
- Wang, J., & Foley, K. (2021). Assessing the performance of urban open space for achieving sustainable and resilient cities: A pilot study of two urban parks in Dublin, Ireland. *Urban Forestry & Urban Greening*, 62, 127180. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2021.127180>
- Wang, M. (2020). *Linguistic semiotics*. Springer.
- Way, T., Oaks, D., Karmon, D., Buckley, J. M., & Cunningham, T. A. (2022). Rethinking the urban landscape. *Journal of the Society of Architectural Historians*, 81(3), 268-298. <https://doi.org/10.1525/jsah.2022.81.3.268>
- Zandieh, M., & Goodarzian, S. (2014). Landscape approach, the success factor of urban tourism. *Bagh-e Nazar*, 11(30), 59-66. https://www.bagh-sj.com/article_6498.html

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

حسین‌زاده، مهدی و منصورى، سید امیر. (۱۴۰۴). رویکردهای خوانش منظر شهری؛ مرور نظام‌مند بر توسعه مدل‌های مفهومی. منظر، ۱۷ (۷۲)، ۲۸-۳۹.



DOI: [10.22034/manzar.2025.497158.2325](https://doi.org/10.22034/manzar.2025.497158.2325)

URL: https://www.manzar-sj.com/article_224100.html